

مدیریت سرمایه اجتماعی

دوره ۲، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۴، صفحات ۱۷۷ - ۱۹۸

شاپا چاپی: ۶۰۷۱-۲۴۲۳

شاپا الکترونیکی: X ۶۰۸-۲۴۲۳

<http://jscm.ut.ac.ir>

بررسی تأثیر حکمرانی خوب بر سرمایه اجتماعی

غلامعلی طبرسا^۱، فرخ قوچانی^۲، مهران بادین دهش^{۳*}

۱. دانشیار دانشکده مدیریت و حسابداری دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

۲. استادیار دانشکده مدیریت و حسابداری دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

۳. دانشجوی دکتری مدیریت سیستم‌ها دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۱/۱۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۳/۰۵)

چکیده

نظریه حکمرانی خوب را اولین بار بانک جهانی در سال ۱۹۸۹ مطرح کرد. حکمرانی خوب عبارت است از فرایندها و ساختارهایی که روابط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را هدایت می‌کند. سرمایه اجتماعی در جامعه شامل نهادها، رابطه‌ها، نگرش‌ها و ارزش‌هایی است که بین مردم حاکم است و به توسعه اقتصادی و اجتماعی کمک می‌کند. در پژوهش حاضر، تأثیر حکمرانی خوب بر سرمایه اجتماعی بررسی شده است. بدین منظور، پنج بعد حاکمیت قانون، حق اظهارنظر، پاسخ‌گویی، شفافیت و اعتماد برای حکمرانی خوب در نظر گرفته شده است. ابزار پژوهش، پرسش‌نامه ساخته پژوهشگر است که روایی آن را نخبگان تأیید کرده‌اند. پایایی پژوهش نیز به روش آلفای کرونباخ محاسبه شده است. جامعه آماری پژوهش، دانشجویان علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی بودند. از میان پرسش‌نامه‌های توزیع شده، ۳۸۴ پرسش‌نامه جمع شد. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها، از نرم‌افزار SPSS و برای آزمون فرضیات پژوهش، از آزمون تی استیودنت استفاده شد. نتایج حاکی از تأثیرگذاری حکمرانی خوب بر سرمایه اجتماعی است. از میان ابعاد گوناگون حکمرانی خوب نیز حاکمیت قانون، بیشترین تأثیر را بر سرمایه اجتماعی داشت.

کلیدواژگان

پاسخ‌گویی، حق اظهارنظر، حکمرانی خوب، سرمایه اجتماعی، شفافیت.

* نویسنده مسئول، رایانامه: mehranbadindahesh@yahoo.com

بیان مسئله

پس از ناکامی سیاست‌های تعدیل ساختاری که بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول پیشنهاد کرده بودند، نیاز به تدوین سیاست‌های جدید احساس شد. نتیجه مطالعات و بررسی‌های بانک جهانی در این زمینه، ارائه نظریه حکمرانی خوب^۱ بود. عبارت حکمرانی خوب را نخستین بار بانک جهانی در سال ۱۹۸۹، در گزارشی که در مورد توسعه در صحرای آفریقا تهیه شده بود، وارد مبانی نظری مدیریت، توسعه و حاکمیت کرد. از آنجا که حکمرانی، مفهومی پیچیده و به بافت^۲ جامعه وابسته است، حکمرانی خوب را می‌توان در هر کشور بر اساس اقتضائات و نیازهای نهادی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی آن منطقه پیاده‌سازی کرد.

در حکمرانی خوب، هیچ نسخه از پیش تعیین‌شده‌ای دوازده کشورها نیست و تنها مردم یک کشور هستند که می‌توانند مسیر رسیدن به توسعه را انتخاب کنند (میدری و خیرخواهان، ۱۳۸۳). بنابراین، یکی از موارد مهمی که می‌بایست در کشورهای در حال توسعه به آن توجه شود، استقرار حکمرانی خوب در آنهاست و از آنجا که کشور ما نیز در زمره این کشورها قرار دارد، نیاز به بررسی و شناخت اجزای حکمرانی خوب حس می‌شود. همچنین با استقرار اجزای حکمرانی خوب، می‌توان زمینه لازم را برای پویایی جامعه و حرکت آن به سمت توسعه فراهم کرد.

سرمایه اجتماعی مفهومی است که در دهه ۹۰، به شدت مورد توجه محققان و دانشگاهیان قرار گرفت. لین (۱۹۹۹) از سه نوع سرمایه نام برده است: انسانی، فرهنگی و اجتماعی. وی سرمایه اجتماعی را سرمایه‌گذاری در روابط اجتماعی با انتظار بازگشت سود می‌داند. این نوع از سرمایه را می‌توان شبکه مبتنی بر اعتماد متقابل میان آحاد جامعه دانست. سرمایه اجتماعی، اقدامات جمعی و روابط اجتماعی را تسهیل می‌کند و به افزایش مشارکت اجتماعی و همکاری مردم می‌انجامد.

-
1. Good Governance
 2. Context Dependent

مشاهدات در کشور نشان‌دهنده سرمایه اجتماعی ناکافی است؛ بنابراین، برای افزایش میزان سرمایه اجتماعی، به راهکارهایی نیاز داریم. نتایج پژوهشی نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی استان‌های کشور، نسبتاً اندک است و میانگین آن در کشور ۵۸/۴۳ (از ۱۰۰) است. بر اساس این پژوهش، نواحی مرکزی ایران، به‌طور کلی از سرمایه اجتماعی بیشتری برخوردارند و نواحی مرزی از این نظر در سطح پایین‌تری هستند (شعبانی و سلیمانی، ۱۳۸۷). در پژوهشی مشابه نیز نتایج نشان می‌دهد استان‌های فارس، یزد و خراسان از میزان سرمایه اجتماعی مناسب‌تری برخوردارند و استان‌های سیستان و بلوچستان، کهگیلویه و بویراحمد و کرمان، سرمایه اجتماعی کمتری دارند (سعادت، ۱۳۸۵).

در این پژوهش به بررسی تأثیر حکمرانی خوب بر سرمایه اجتماعی در میان دانشجویان علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی پرداخته شده است. به عقیده دوفور^۱ و همکاران (۲۰۱۳)، منابع حاصل از محیط‌های اجتماعی متعدد، تأثیر درخور توجهی بر دستاوردهای آکادمیک در میان دانشجویان دارد. یکی از عوامل مهم و مؤثر که به نظر می‌رسد بر سرمایه اجتماعی افراد و به تبع آن، میزان موفقیت‌های دانشگاهی آن‌ها و در نتیجه، موفقیت‌های بعدی آن‌ها در زندگی شخصی و شغلی مؤثر است، نحوه حکمرانی جامعه است. ریتز^۲ (۲۰۱۳) در پژوهش خود به بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و حکمرانی خوب پرداخته است. بر این اساس، سرمایه اجتماعی را می‌توان یکی از عوامل مؤثر بر رضایت تحصیلی نیز دانست. پژوهش بیدختی و همکاران (۱۳۹۱) نشان‌دهنده سطح ناکافی سرمایه اجتماعی دانشجویان است. نتیجه بررسی آن‌ها حاکی از این است که دانشجویان، سرمایه اجتماعی موجود در دانشگاه خود را کمتر از میزان مطلوب ارزیابی کرده‌اند و نتیجه این میزان، کاهش رضایت تحصیلی دانشجویان است.

1. Dufur

2. Ritter

آکار (۲۰۱۱) نیز معتقد است سرمایه اجتماعی، آثار چشمگیری بر کسب موفقیت‌های دانشگاهی ایجاد می‌کند. به همین دلیل و به سبب اهمیت موضوع سرمایه اجتماعی در محیط‌های علمی و دانشگاهی، در این پژوهش به بررسی تأثیر حکمرانی خوب بر سرمایه اجتماعی پرداخته شده است.

مبانی نظری و پیشینه تحقیق

حکمرانی خوب

سیاست‌گذاران در موقعیت‌های گوناگونی از واژه حکمرانی^۱ استفاده می‌کنند؛ اما هنوز تعریفی واحد از آن وجود ندارد (Kaufman et al., 2010). تا قبل از سال ۱۹۹۰، حکمرانی مترادف با حکومت^۲ در نظر گرفته می‌شد. جدایی این دو مفهوم زمانی اتفاق افتاد که حکومت را به‌عنوان سازمانی جدا از شهروندان و نه به‌عنوان فرایند مورد توجه قرار دادند (زاهدی و ابراهیم‌پور، ۱۳۹۱). بانک جهانی، حکمرانی را فرایند اعمال قدرت بر مدیریت اقتصادی و منابع اجتماعی هر کشور برای رسیدن به توسعه دانسته است (Kaufman et al., 2010).

اگر حکمرانی را اعمال قدرت اقتصادی، سیاسی و اداری تعریف کنیم، حکمرانی خوب عبارت است از فرایندها و ساختارهایی که روابط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را هدایت می‌کند (Elahi, 2009). حکمرانی خوب به‌عنوان فرایندها و ساختارهایی تعریف می‌شود که روابط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را با توجه به تعهد به ارزش‌ها، هنجارها و اعمال دموکراتیک، خدمات توأم با اعتماد و کارهای مبتنی بر صداقت جهت می‌دهد (زاهدی و ابراهیم‌پور، ۱۳۹۱).

برای حکمرانی خوب، ویژگی‌ها و اجزای متعددی برشمرده شده است. بانک جهانی در پژوهشی، شش شاخص برای حکمرانی خوب در نظر گرفته است: حق اظهارنظر^۳ و پاسخ‌گویی^۴،

1. Governance

2. Government

3. Voice

4. Accountability

ثبات سیاسی و فقدان خشونت یا تروریسم، اثربخشی حکومت، کیفیت مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد (Kaufman et al., 2008). برنامه توسعه ملل متحد نیز ویژگی‌های مشارکت، حاکمیت قانون^۱، شفافیت، مسئولیت‌پذیری، اجماع‌محوری، برابری، اثربخشی و کارایی و پاسخ‌گویی را برای حکمرانی خوب نام برده است (Elahi, 2009). در این پژوهش، با توجه به ابعاد مطرح‌شده برای حکمرانی خوب و از میان نمونه‌های مختلف شاخص‌های حاکمیت قانون، حق اظهارنظر، پاسخ‌گویی، شفافیت و اعتمادبخشی به شهروندان در نظر گرفته شده است.

حاکمیت قانون

استقرار حاکمیت قانون، از الزامات هر جامعه مدرن است. با تشکیل دولت، خردمندان جامعه دریافتند که نمی‌توان به قدرت برتر پناه برد و این قدرت به‌تنهایی نظم جامعه را تأمین نمی‌کند؛ چون خودکامگی و تبعیض، دو عامل بزرگ بی‌نظمی و زاده همین قدرت است (کاتوزیان، ۱۳۸۵). بنابراین، باید جایگزینی برای استقرار نظم در جامعه یافت. این جایگزین، همان قانون و حاکمیت آن در جامعه است. حاکمیت قانون را می‌توان رژیم سیاسی- قانونی دانست. در چنین رژیمی، قوانین به‌وسیله ترویج حقوق خاص شهروندان و ایجاد نظم و پیش‌بینی‌پذیری نحوه اقدامات و وظایف کشور، حکومت را محدود می‌کند.

حق اظهارنظر

حق اظهارنظر، هم به ظرفیت‌های مردم برای بیان دیدگاه‌هایشان اشاره دارد و هم به روش‌هایی که مردم این کار را از طریق مکانیزم‌ها و کانال‌های رسمی و غیررسمی انجام می‌دهند. تأکید اولیه حق اظهارنظر، بر تلاشی است که سبب می‌شود دیدگاه‌های اقشار ضعیف جامعه به گوش تصمیم‌گیرندگان قدرتمند برسد (Goetz & Gaventa, 2001). به عقیده گوتز و جنکینز (۲۰۰۵)، حق اظهارنظر دارای ارزش ذاتی است و همین که مردم بدانند دارای آزادی برای بیان باورها و

1. Rule of law

ترجیحاتشان هستند، برای آن‌ها ارزشمند است. اعمال حق اظهارنظر الزاماً ساده نیست؛ باین حال، روشی که از طریق آن می‌توان به ابراز این حق پرداخت، احتمالاً بسته به بافت جامعه و به خصوص ظرفیت موجود برای اظهارنظر، متفاوت خواهد بود. این ظرفیت شامل دو بخش است: ۱. ظرفیت شخصی^۱ کسانی که به دنبال ابراز حق اظهارنظر خودند؛ یعنی میزان آگاهی آن‌ها از موضوعات و توانمندی‌هایشان؛

۲. ظرفیت نهادی^۲ یا محیط که شامل محیط اجتماعی - فرهنگی، چارچوب سیاسی و قانونی و پذیرش مفاهیم شهروندی^۳ و حق^۴ می‌شود (Gloopen et al., 2003).

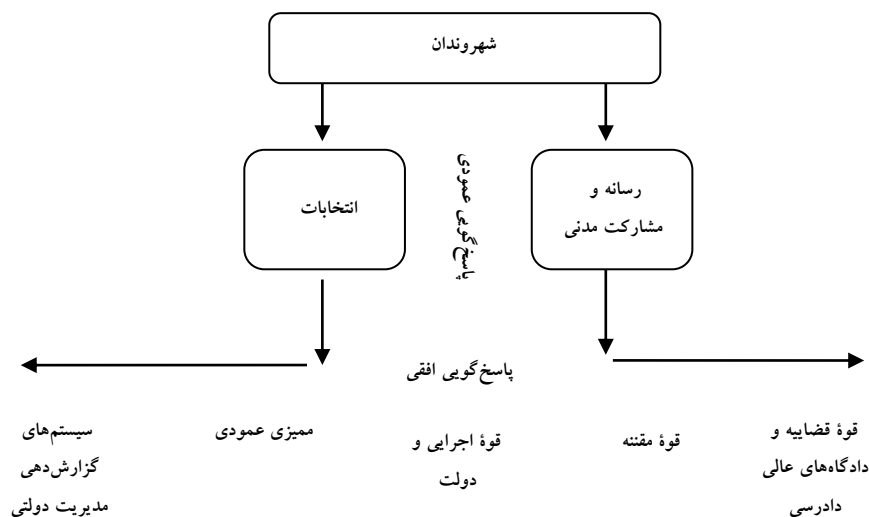
پاسخ‌گویی

یکی دیگر از ابعاد حکمرانی خوب، پاسخ‌گویی است. پاسخ‌گویی هنگامی وجود دارد که کسانی که قوانین را تعیین و اجرا می‌کنند (سیاست‌مداران و مقامات دولتی)، به کسانی که زندگی‌شان با این قوانین شکل می‌گیرد، جواب‌گو^۵ باشند و در صورتی که عملکرد آن‌ها نارضایتی به همراه داشت، مجازات شوند (O'neil et al., 2007).

پاسخ‌گویی، یعنی الزام به اینکه مقامات بر اساس قدرت و وظایفشان به ذی‌نفعان جواب دهند، بر مبنای انتقادات و الزامات عمل کنند و مسئولیت شکست، بی‌کفایتی یا نقایص را بپذیرند (UNDP, 2009). پاسخ‌گویی را می‌توان دارای دو بعد دانست: جواب‌گویی^۶ و قابلیت مجازات^۷ که گاهی به آن قابلیت کنترل می‌گویند (UNDP, 2010 & O'neil et al., 2007). برای برخورداری از پاسخ‌گویی واقعی، باید هر دو بعد وجود داشته باشد (Goets & Jenkins, 2005).

1. Personal Capacities
2. Institutional Capacities
3. Citizenship
4. Rights
5. Answerable
6. Answerability
7. Enforceability

پاسخ‌گویی دارای انواع مختلفی است. پاسخ‌گویی عمودی نوعی از پاسخ‌گویی است که از بیرون بر حکومت تحمیل می‌شود و به‌منظور تشریح رابطه پاسخ‌گویی بین دولت (به‌طور صحیح‌تر، مقامات دولتی) و شهروندان از آن استفاده می‌شود. پاسخ‌گویی افقی از داخل بر حکومت تحمیل می‌شود و به ظرفیت نهادهای دولتی برای نظارت بر سوءاستفاده‌های سایر بخش‌های حکومت اشاره دارد (UNDP, 2009). پاسخ‌گویی مختلط هم به مشارکت شهروندان/جامعه مدنی (به عبارت دیگر، بازیگرانی از روابط پاسخ‌گویی عمودی) در مکانیزم‌های پاسخ‌گویی افقی (به عبارت دیگر، مکانیزم‌های نظارت دولتی مانند کمیسیون‌های ضدفساد) اشاره دارد. شکل ۱، پاسخ‌گویی افقی و عمودی را نشان می‌دهد.



شکل ۱. پاسخ‌گویی افقی و عمودی (DFID, 2009)

اعتماد

اعتماد شالوده تمام تماس‌های انسانی و تعاملات بین نهادهاست (Blind, 2008) و اساس هر نوع مبادله غیرهم‌زمان را تشکیل می‌دهد (Manning et al., 2010). اعتماد هنگامی رخ می‌دهد که

طرفین ادراک مطلوبی از یکدیگر داشته باشند. این ادراک اجازه می‌دهد تا در رابطه‌شان، به نتایج مورد انتظار دست یابند. بنابراین، اعتماد ابزاری اثربخش برای کاهش هزینه مبادله در روابط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است (Blind, 2008).

یک رابطه کلیدی بین اعتماد به حکومت از یک سو و تمایل شهروندان و شرکت‌ها به اطاعت از قوانین و مقررات و پرداخت مالیات از سوی دیگر وجود دارد (Manning et al., 2010). به‌طور کلی، اعتماد دو نوع اصلی دارد. دسته اول، اعتمادی است که در متون مربوط به امور سیاسی ارزیابی می‌شود و به اعتماد سیاسی^۱ مشهور است (Blind, 2008). اعتماد سیاسی قضاوت شهروندان در مورد این است که سیستم سیاسی و متصدیان سیستم پاسخ‌گو هستند و حتی در صورت نبود کنترل مداوم، کاری را انجام می‌دهند که صحیح است (Miller & Listhaug, 1990). نوع دوم اعتماد، مفهوم اعتماد اجتماعی است که به اعتماد شهروندان به همدیگر به عنوان اعضای اجتماع اشاره دارد (Blind, 2008).

شفافیت

شفافیت عبارت است از وجود اطلاعات دقیق و قابلیت دسترسی به آنها برای بازیگران داخل و خارج از عملیات دولت. این اطلاعات در ارزیابی عملکرد مؤسسات مؤثر است (Bauhr & Grimes, 2012). کافمن و دیگران (۲۰۰۲) معتقدند شفافیت، علاوه بر تأکید بر وجود اطلاعات، بر اعتبار و دسترسی این اطلاعات برای نمایندگان بالقوه نیز تأکید می‌کند. مولگان^۲ (۲۰۱۲) دو رویکرد مختلف در مورد شفافیت مطرح می‌کند:

۱. **رویکرد سستی:** در این رویکرد، فرض بر این است که اطلاعات نباید در دسترس باشد؛ مگر اینکه یکی از اعضای جامعه خواستار آن شود.

1. Political Trust

2. Mulgan

۲. مدل فشاری^۱ یا نوین: در این مدل، اطلاعات دولتی در دسترس همگان قرار دارد؛ مگر اینکه دلیل منطقی برای محرمانه نگهداشتن آن وجود داشته باشد. رویکرد جدید، به سرعت به عملی بین‌المللی در جهان تبدیل می‌شود و دولت‌ها و حکومت‌ها، با تأسیس آژانس‌های گسترده‌تر اطلاعاتی که عهده‌دار در دسترس قراردادن اطلاعات دولتی هستند، این رویکرد را خصوصاً از طریق اینترنت و سایر اقدامات دولت الکترونیک اجرا می‌کنند. شفافیت را می‌توان به دو دسته شفافیت درونی و بیرونی تقسیم کرد. شفافیت بیرونی حکومت^۲ به اطلاعاتی اشاره دارد که حکومت برای سازمان‌های بین‌المللی فراهم می‌کند و شفافیت درونی حکومت^۳ به اطلاعاتی اشاره دارد که حکومت در اختیار جامعه قرار می‌دهد (Grigorescu, 2003).

سرمایه اجتماعی

پیشینه مفهوم سرمایه اجتماعی به قرن هجدهم باز می‌گردد، اما از سال‌های دهه ۱۹۹۰، این مفهوم توجه زیادی را به خود جلب کرد. از این زمان به بعد، مفهوم سرمایه اجتماعی رونق گرفت و دانشگاهیان از رشته‌های گوناگون راجع به آن مطالب متعددی نگاشتند (Temple, 2001). بوردیو^۴ (۱۹۸۶) تلاش کرد تا اولین مطالعه نظام‌مند سرمایه اجتماعی را انجام دهد. بررسی این مفهوم، با مطالعه کلمن^۵ (۱۹۸۸) درمورد رابطه بین سرمایه اجتماعی، سرمایه انسانی و حضور در مدرسه در ایالات متحده و بعدها با مطالعه پوتنام^۶ (۱۹۹۳) با عنوان سرمایه اجتماعی و نهادهای دموکراتیک در ایتالیا، به اوج خود رسید (Productivity Commission, 2003).

-
1. Push model
 2. External Government Transparency
 3. Domestic Government Transparency
 4. Bourdieu
 5. Coleman
 6. Putnam

پوتنام سرمایه اجتماعی را آن دسته از عناصر و ویژگی‌های نظام اجتماعی (مانند اعتماد اجتماعی، هنجارهای معامله متقابل و شبکه‌های اجتماعی) می‌داند که هماهنگی و همکاری را بین افراد جامعه و برای دستیابی به سود متقابل، تسهیل می‌کند (Putnam, 1993). به عقیده سازمان سلامت جهانی (۱۹۹۸)، سرمایه اجتماعی نمایانگر درجه انسجام اجتماعی است که در جوامع وجود دارد. این مقوله به فرایندهای بین افرادی اشاره دارد که به ایجاد شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد اجتماعی می‌پردازد و هماهنگی و همکاری برای منافع متقابل را تسهیل می‌کند. فوکویاما (۱۹۹۷) نیز آن را نمونه‌ای از هنجار غیررسمی می‌داند که به ترویج همکاری بین دو یا چند فرد می‌پردازد. سرمایه اجتماعی مدل‌های مختلفی دارد که یکی از معروف‌ترین آن‌ها، مدل ناهاپیت و گوشال^۱ (۱۹۹۸) است. بر اساس نظر این دو، سرمایه اجتماعی دربرگیرنده سه بعد است: بعد ساختاری^۲، بعد شناختی^۳ و بعد رابطه‌ای^۴. بعد ساختاری به ویژگی‌های نظام اجتماعی اشاره می‌کند و به عنوان یک کل، به شبکه روابط مربوط می‌شود. همچنین پیکربندی غیرشخصی پیوند بین افراد یا واحدها را توضیح می‌دهد. بعد شناختی به منابعی اشاره دارد که تصاویر، تفسیرها و نظام‌های معنایی مشترک میان اعضا را نشان می‌دهد. بعد ارتباطی نیز ماهیت ارتباط افراد هر سازمان را نشان می‌دهد.

بررسی پژوهش‌های پیشین

بورلاکو^۵ (۲۰۱۴) تأثیر حکمرانی خوب بر انتخابات را بررسی کرده است. وی معتقد است استقرار حکمرانی خوب، تأثیر مهمی بر نظام انتخابات، خصوصاً در کشورهای در حال توسعه دارد. له^۶

1. Nahapit & Ghoshal
2. Structural Dimension
3. Cognitive Dimension
4. Relational Dimension
5. Burlacu
6. Lele

و همکاران (۲۰۱۳) نیز در پژوهش خود نقش حکمرانی خوب را در سیاست‌گذاری‌های مرتبط با مسائل آب و غذا بررسی کرده‌اند. واحدالزمان (۲۰۱۰) در مقاله‌ای با عنوان «ارزش مشارکت مردم برای حکمرانی خوب در کشورهای در حال توسعه»، به بررسی حکمرانی خوب پرداخته و نتیجه گرفته است که مشارکت مردم به وسیله ایجاد حکومت پاسخ‌گو، قانونی و شفاف یا همان حکمرانی خوب است که سبب تحقق توسعه می‌شود. کادوس^۱ (۲۰۱۲) معتقد است در جوامعی که به دنبال راه‌حلی برای توسعه پایدارند، حکمرانی خوب همواره به عنوان ابزاری حیاتی برای پیشبرد توسعه پایدار و عنصری مهم در استراتژی توسعه پایدار به حساب می‌آید.

با بررسی پژوهش‌های مربوط به سرمایه اجتماعی، مشاهده می‌شود که سرمایه اجتماعی در سه سطح فردی، سازمانی و اجتماعی بررسی و سنجیده شده است. در سطح فردی همان‌طور که نان لین (۱۹۹۹) بیان می‌کند، افراد در تعامل با هم قرار می‌گیرند و شبکه‌هایی تشکیل می‌دهند تا منافع کسب کنند. کاسا^۲ و پارتس^۳ (۲۰۰۷) نیز معتقدند در سطح فردی، سرمایه اجتماعی عبارت است از منابعی که در ساختارهای اجتماعی موجودند و برای دستیابی به شهرت، قدرت و رفاه مادی بیشتر مفیدند. نصر اصفهانی و دیگران (۱۳۹۰) سرمایه اجتماعی را در سطح سازمان بررسی کرده‌اند و معتقدند که اگر سازمان‌ها به عنوان واحدهای اجتماعی بتوانند سرمایه اجتماعی ایجاد کنند، قادر به فعالیت بیشتر خواهند بود. اسمیت و دیگران (۲۰۰۲) و ایشی‌هارا و پاسکال (۲۰۰۹) نیز معتقدند سرمایه اجتماعی عاملی برای تسهیل اقدامات جمعی است.

در پژوهش دوفور و همکاران (۲۰۱۳) این موضوع مطرح شد که سرمایه اجتماعی، تنها در یک بافت شکل نمی‌گیرد و محیط‌های مختلف در شکل‌گیری آن نقش دارند. آنها در مطالعه خود، دو

1. Kados

2. Kaasa

3. Parts

محیط خانواده و مدرسه را بررسی کردند. آن دو، محیط‌های یادشده را در شکل‌گیری سرمایه اجتماعی مهم می‌دانند؛ اما، نقش خانواده را مهم‌تر ارزیابی می‌کنند.

بیسونگ^۱ و دیگران (۲۰۱۴) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که سرمایه‌گذاری در ایجاد سرمایه اجتماعی، منافع متعددی در راستای اقدامات جمعی برای برخورد با چالش‌های زیست‌محیطی به ارمغان می‌آورد. جونگ^۲ (۲۰۱۴) هم معتقد است نهادهای سیاسی دموکراتیک‌تر، میزان اعتماد را افزایش می‌دهند که یکی از عناصر اصلی سرمایه اجتماعی است.

مصطفی‌زاده و صادقی (۱۳۹۳) در پژوهش خود عوامل مؤثر بر توسعه سرمایه اجتماعی را در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی بررسی کرده‌اند. نتایج پژوهش آنها مؤید این مطلب است که شاخص‌هایی همچون رفتار شهروندی سازمانی، تعهد سازمانی، نوع شخصیت، شکیبایی، صمیمیت و ادراک عدالت، نقش درخور توجهی در توسعه سرمایه اجتماعی ایفا می‌کنند.

بویکس^۳ و پوزنر^۴ (۱۹۹۸) به بررسی تأثیر مدیریت سرمایه اجتماعی بر عملکرد حکومت در کشورها پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که نهادهای دانشگاهی و سیاسی، به‌منظور دستیابی به اهداف خود به سرمایه اجتماعی نیاز دارند. ریتز (۲۰۱۳) به بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و حکمرانی خوب در ۲۷ کشور عضو اتحادیه اروپا پرداخته است. نتایج پژوهش وی وجود رابطه یادشده را تأیید می‌کند. علی‌ساعی و همکاران (۱۳۹۰) در تحلیل تطبیقی بین‌کشوری، سرمایه اجتماعی و حکمرانی خوب را بررسی کرده‌اند. آنها معتقدند سرمایه اجتماعی، ۷۲ درصد از فضای حکمرانی خوب را پوشش می‌دهد.

-
1. Bisung
 2. Ljung
 3. Boix
 4. Posner

با توجه به موارد مطرح شده، فرضیات این پژوهش عبارت‌اند از:

فرضیه اصلی

حکمرانی خوب بر سرمایه اجتماعی تأثیر دارد.

فرضیات فرعی

۱. حاکمیت قانون بر سرمایه اجتماعی تأثیر دارد.

۲. حق اظهارنظر بر سرمایه اجتماعی تأثیر دارد.

۳. پاسخ‌گویی بر سرمایه اجتماعی تأثیر دارد.

۴. شفافیت بر سرمایه اجتماعی تأثیر دارد.

۵. اعتمادبخشی به شهروند، بر سرمایه اجتماعی تأثیر دارد.

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع تحقیقات توصیفی - پیمایشی است. به منظور جمع‌آوری و تدوین مطالب مربوط به مبانی نظری پژوهش با مراجعه به کتاب‌ها، مقالات و پژوهش‌های انجام‌شده، بخش مبانی نظری تنظیم شد. ابزار اصلی پژوهش، پرسش‌نامه است. بر اساس مبانی نظری، گویه‌ها شناسایی شد. این گویه‌ها، ساختار پرسش‌نامه را تشکیل می‌دهند. پرسش‌نامه نیز با راهنمایی استادان تنظیم و روایی آن بر اساس روش اعتبار محتوا سنجیده شد. بدین منظور، ابتدا با مطالعه منابع مرتبط طرح اولیه پرسش‌نامه تهیه شد و برای بررسی، در اختیار چند تن از استادان و متخصصان قرار گرفت. در نهایت، پس از اصلاحات پیشنهادی، پرسش‌نامه نهایی تهیه شد. برای سنجش پایایی و هم‌بستگی درونی پرسش‌نامه از روش اعتبار محتوا استفاده شد. جدول ۱ نشان می‌دهد ضریب آلفای سازه‌های تحقیق، بیش از ۰/۷ و نشان‌دهنده انسجام درونی پرسش‌نامه است.

جدول ۱. ضرایب آلفای کرونباخ شاخص‌های اصلی

سازه پژوهش	حکمرانی خوب	حاکمیت قانون	حق اظهارنظر	پاسخ‌گویی	شفافیت	اعتماد
ضریب آلفای کرونباخ	۰/۹۳۰	۰/۸۸۵	۰/۹۰۳	۰/۹۴۶	۰/۹۴۰	۰/۸۸۸

پرسش نامه این پژوهش از ۲۳ سؤال به منظور سنجش حکمرانی خوب (۵ سؤال حاکمیت قانون، ۴ سؤال حق اظهار نظر، ۵ سؤال پاسخ گویی، ۵ سؤال شفافیت و ۴ سؤال اعتماد) تشکیل شده است. ۴ سؤال نیز به اطلاعات جمعیت شناختی پاسخ گویان مربوط است. جامعه آماری این تحقیق عبارت است از دانشجویان علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی. با توجه به آمارهای سایت دانشگاه، حدود ۶۰۰۰ دانشجو در رشته های علوم انسانی در این دانشگاه به تحصیل مشغول اند. روش نمونه گیری استفاده شده در این پژوهش، روش تصادفی در دسترس بوده است. به منظور تعیین حجم نمونه به فرمول های آماری مراجعه شد که پس از محاسبه، حدود ۳۶۱ نفر حجم نمونه به دست آمد. به منظور اطمینان بیشتر، ۳۸۴ پرسش نامه در میان پاسخ گویان توزیع و جمع آوری شد.

یافته های پژوهش

پژوهش حاضر، یک فرضیه اصلی و پنج فرضیه فرعی دارد. ۴۷/۷ درصد از پاسخ گویان این پژوهش را آقایان و ۵۲/۱ درصد را بانوان تشکیل می دهند. ۰/۳ درصد از پاسخ گویان نیز از ذکر جنسیت خودداری کرده اند. در بخش انجام آزمون فرضیه ها از نرم افزار SPSS و آزمون T یک نمونه ای استفاده شده است. درصد خطای در نظر گرفته شده برای این پژوهش ۵ درصد است. نتایج آزمون ها در جدول ۲ درج شده است. در اینجا به نحوه بررسی یکی از فرضیه ها می پردازیم. در مورد سایر فرضیه ها نیز به همین شیوه عمل شده است که برای پرهیز از تکرار، از ذکر آنها خودداری می شود.

$$\left[\begin{array}{l} H_0: \mu \leq 3 \text{ = حاکمیت قانون بر سرمایه اجتماعی تأثیر ندارد.} \\ H_1: \mu > 3 \text{ = حاکمیت قانون بر سرمایه اجتماعی تأثیر دارد.} \end{array} \right.$$

جدول ۲. نتایج آزمون T یک نمونه‌ای فرضیات تحقیق

ارزش آزمون میانگین = ۳						
شماره	متغیر	t	سطح معناداری sig.	فاصله اطمینان ۹۵ درصدی	حد بالا	حد پایین
۱	حکمرانی خوب	۳/۲۳۵	۰/۰۰۳	۰/۲۴۰۰	۱/۰۷۲۶	رد H_0 و پذیرش H_1
۲	حاکمیت قانون	۳/۵۹۸	۰/۰۰۱	۰/۳۰۹۳	۱/۱۳۰۰	رد H_0 و پذیرش H_1
۳	حق اظهار نظر	۳/۱۵۵	۰/۰۰۴	۰/۲۳۷۲	۱/۱۱۹۹	رد H_0 و پذیرش H_1
۴	پاسخ‌گویی	۲/۸۲۵	۰/۰۰۹	۰/۰۱۸۴	۱/۱۶۵۳	رد H_0 و پذیرش H_1
۵	شفافیت	۲/۳۸۷	۰/۰۲۴	۰/۰۷۶۲	۱/۰۰۹۵	رد H_0 و پذیرش H_1
۶	اعتماد	۳/۱۹۹	۰/۰۰۴	۰/۲۳۷۹	۱/۰۸۹۴	رد H_0 و پذیرش H_1

به‌منظور رتبه‌بندی ابعاد حکمرانی خوب نیز از آزمون فریدمن استفاده شده است.

$$\left[\begin{array}{l} H_0: \mu_i = \mu_j \quad \text{از نظر رتبه‌بندی تفاوت وجود ندارد;} \\ H_1: \mu_i \neq \mu_j \quad \text{از نظر رتبه‌بندی تفاوت وجود دارد;} \end{array} \right.$$

بر اساس نتایج، با مقدار $\text{Chi-Square}=57.481$ و درجه آزادی ۴، میزان: $\text{Sig}=0.00$ که از میزان خطای ۰/۰۵ کمتر است؛ پس فرض H_0 رد می‌شود. به عبارتی، بین ابعاد حکمرانی خوب، از نظر رتبه‌بندی تفاوت وجود دارد. جدول ۳ نیز رتبه ابعاد حکمرانی خوب را نشان می‌دهد.

جدول ۳. رتبه‌بندی ابعاد حکمرانی خوب

رتبه میانگین	متغیر
۳/۳۰	حاکمیت قانون
۳/۱۸	اعتمادبخشی به شهروند
۳/۱۶	پاسخ‌گویی
۲/۶۸	حق اظهار نظر
۲/۶۸	شفافیت

بحث و نتیجه گیری

در این پژوهش به بررسی تأثیر حکمرانی خوب بر سرمایه اجتماعی پرداختیم. در بخش متون نظری، پیرامون مفاهیم حکمرانی خوب و سرمایه اجتماعی به تفصیل بحث شد. برای متغیر حکمرانی خوب، بر اساس پژوهش‌های صورت گرفته، پنج بعد در نظر گرفته شد که عبارت‌اند از: حاکمیت قانون، پاسخ‌گویی، حق اظهار نظر، شفافیت و اعتماد بخشی به شهروندان. به منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش، از نرم‌افزار SPSS و از آزمون تی استیودنت استفاده شد. نتیجه تجزیه و تحلیل داده‌ها، همگی مبتنی بر تأیید فرضیات پژوهش است. به دلیل اینکه ضریب معناداری آزمون درمورد تمامی فرضیه‌های اصلی و فرعی کوچک‌تر از ۰/۰۵ (سطح خطای پژوهش) شد، دلیلی بر رد فرضیات پژوهش به دست نیامد.

استقرار حاکمیت قانون در جامعه و آگاهی مردم از حقوق خودشان سبب می‌شود سلايق و منافع شخصی در روابط و ساختارهای اجتماعی جایگاه خود را از دست بدهند و این قانون باشد که حرف اول و آخر را بزند. بنابراین، حاکمیت قانون قابلیت پیش‌بینی رفتارها و اقدامات دستگاه‌های حکومتی را فراهم می‌کند. همین امر، تأثیر درخور توجهی بر سرمایه اجتماعی به جای می‌گذارد. بر اساس گزارش برنامه عدالت جهانی^۱ در سال ۲۰۱۵، ایران از نظر حاکمیت قانون در جایگاه ۸۸ قرار دارد (World Justice Project, 2015). بدیهی است این جایگاه مناسب نیست و به توجه بیشتری به موضوع حاکمیت قانون نیاز است.

حاکمیت قانون، نظام قضایی و حقوق اساسی افراد، نقش بسیار چشمگیری بر سرمایه اجتماعی بر عهده دارند (Grootaert, 1998). بر اساس نتایج پژوهش حاضر نیز از میان ابعاد گوناگون حکمرانی خوب، حاکمیت قانون، بیشترین تأثیر را بر سرمایه اجتماعی بر جای می‌گذارد. توجه به مواردی همچون آگاه‌سازی شهروندان از قوانین، یکسان‌بودن همه افراد در پیشگاه قانون و به‌روز بودن قوانین، به ارتقای شاخص حکمرانی خوب کمک خواهد کرد.

1. World Justice Project

برخورداری شهروندان از حق اظهارنظر نیز سبب ارتقای کیفیت سرمایه اجتماعی در جامعه می‌شود. زمانی که در جامعه این ظرفیت وجود داشته باشد که مردم به بیان دیدگاه‌ها و نظرهایشان بپردازند و مطمئن باشند نظر مناسب آنها بر سیاست‌ها و اولویت‌های حکومت تأثیرگذار است، از تعاملات خود در جامعه احساس رضایت و ارزشمندی می‌کنند. این موضوع نیز تأثیر مهمی بر میزان سرمایه اجتماعی در جامعه خواهد داشت.

پاسخ‌گویی دولت و نهادهای حکومتی به شهروندان، عامل دیگری است که سبب ارتقای سرمایه اجتماعی در جامعه می‌شود. اگر شهروندان بدانند که به هنگام نیاز، نهادهای دولتی، پاسخ‌گوی اقداماتشان هستند و می‌توانند به هنگام بروز اشتباه از سوی نهادها و مسئولان، آنها را مجازات کنند، بدیهی است که تعاملات و نهادها ارزشمند می‌شود و افزایش می‌یابد؛ در نتیجه، سرمایه اجتماعی نیز افزایش خواهد یافت.

درمورد شفافیت نیز بدیهی است اگر دولت و نهادهای حکومتی، اطلاعات مربوط به عملکرد خود، خصوصاً اطلاعات مالی را به اطلاع افکار عمومی و رسانه‌ها برسانند، زمینه تردید مردم درباره وقوع فسادها و تخلفات گسترده در دستگاه‌های حکومتی از بین خواهد رفت. همین موضوع سبب افزایش اعتماد بین حکومت و مردم می‌شود که نتیجه آن، افزایش سرمایه اجتماعی است.

نتایج پژوهش جاییول^۱ و دوکجین^۲ (۲۰۰۹) نیز تأییدکننده فرضیه مذکور است. به نظر آنها، شفافیت، عامل کلیدی در بهبود انسجام اجتماعی و سرمایه اجتماعی است. از سوی دیگر، تأثیری که شفافیت بر کاهش فساد اداری دارد (ضمیری و نصیری حامد، ۱۳۸۹)، اثر درخور توجهی بر سرمایه اجتماعی از خود بر جای می‌گذارد.

اعتماد، اساس تمامی تعاملات است. ارتباطی که بر پایه اعتماد بنا نهاده نشود، دیر یا زود از هم می‌پاشد. اعتماد، منبعی اخلاقی است که اثرهای مثبت بسیاری بر تحول روابط اجتماعی

1. Jaeyeol

2. Dukjin

دارد. ایجاد روابط اجتماعی مبتنی بر اعتماد در جامعه، با افزایش سرمایه اجتماعی برابر است (Jaeyeol & Dukjin, 2009). اهمیت این موضوع در ارتباط مردم و حکومت، به مراتب بیشتر است؛ چنان که اگر مردم به حکومت و نهادهای آن اعتماد نداشته باشند، میزان نارضایتی در جامعه افزایش می‌یابد و دولتی که از حمایت مردم برخوردار نباشد، دولت کارآمدی نخواهد بود. همچنین، مردم به دولت مشروعیت می‌بخشند؛ بنابراین، دستگاه‌های دولتی باید با اقدامات شفاف و پاسخ‌گو، به شهروندان اعتماد دهند که اقداماتشان در راستای منافع ملی است، نه منافع شخصی. در نتیجه، استقرار حکمرانی خوب در جامعه، تأثیر درخور توجهی بر سرمایه اجتماعی می‌گذارد. این امر، اقدامات و تعاملات افراد را تسهیل می‌کند و موجبات پویایی جامعه را فراهم می‌آورد.

پیشنهادهای

با توجه به مباحث، می‌توان پیشنهادهای زیر را ارائه کرد:

۱. رفع نواقص برخی قوانین به منظور پیشگیری از برداشت‌های شخصی و اقدامات خودسرانه برخی افراد؛
۲. کاهش قوانین زائد و دست‌وپاگیر و آگاه‌سازی مردم درباره قوانین؛
۳. ارائه گزارش‌های دوره‌ای عملکرد توسط نهادهای دولتی و حکومتی خصوصاً نهادهای مالی؛
۴. فراهم آوردن امکان دسترسی آزادانه شهروندان به اطلاعات (منهای اطلاعات مرتبط با امنیت کشور)؛
۵. ایجاد بسترهای فرهنگی و نهادی لازم به منظور اعمال حق اظهارنظر؛ اتخاذ روش‌هایی که سبب تشویق شهروندان به اظهارنظر می‌شود و تأکید بر اجرای اصولی از قانون اساسی که به این موضوع تأکید دارند. همچنین ایجاد این فرهنگ در جامعه که هرکس، تنها در زمینه‌ای اظهارنظر کند که آگاهی لازم را درباره آن دارد.

منابع و مأخذ

۱. بیدختی، علی اکبر امین، سکینه جعفری، نصراله نوروزی، و معصومه خسروی نیا (۱۳۹۲). تأثیر سرمایه اجتماعی بر رضایت تحصیلی. *دوفصلنامه مطالعات برنامه ریزی آموزشی*.
۲. زاهدی، شمس السادات، و حبیب ابراهیم پور (۱۳۹۱). *حکمرانی مبتنی بر پایداری (با تأکید بر حفاظت محیطی)*. چاپ اول. تهران: انتشارات سمت.
۳. ساعی، علی، افشار کبیری، محمد سالار کسرای، و حسین صادقی (۱۳۹۰). سرمایه اجتماعی و حکمرانی خوب: تحلیل تطبیقی فازی بین کشوری از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۸. *مسائل اجتماعی ایران*، ۲، شماره ۲: ۶۳-۹۴.
۴. سعادت، رحمان (۱۳۸۵). تخمین سطح و توزیع سرمایه اجتماعی استانها. *فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*، ۲۳.
۵. شعبانی، احمد، و محمد سلیمانی (۱۳۸۷). سنجش و رتبه بندی سطح سرمایه اجتماعی در استانهای کشور (سال ۱۳۸۷). *مطالعات اقتصاد اسلامی*، ۲: ۹۵-۱۱۹.
۶. ضمیری، عبدالحسین، و رضا نصیری حامد (۱۳۸۹). *حکمرانی خوب و نقش شفافیت در تحقق آن. فساد اداری: زمینه ها و راهبردها (مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام)*.
۷. عزیزپور شوبی، علی اکبر، و عیسی نیازی (۱۳۸۷). بررسی و تبیین تئوری حکمرانی خوب. *ششمین کنفرانس بین المللی مدیریت*.
۸. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۵). *حکومت قانون و جامعه مدنی. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*: ۲۷۵-۲۹۰.
۹. مصطفی زاده، معصومه، و محمد رضا صادقی (۱۳۹۳). طراحی مدل توسعه سرمایه اجتماعی در دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی. *مدیریت سرمایه اجتماعی*، ۱، شماره ۲: ۱۶۱-۱۸۲.
۱۰. میدری، احمد، و جعفر خیرخواهان (۱۳۸۳). *حکمرانی خوب بنیان توسعه*. چاپ اول. تهران: مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی.

۱۱. نصر اصفهانی، علی، محمد اسماعیل انصاری، علی شائمی برزکی، و حسین آقا حسینی (۱۳۹۰). بررسی سرمایه اجتماعی سازمانی در سازمان‌های خدماتی استان اصفهان (با رویکرد آموزه‌های مدیریت در آثار سعدی). *جامعه‌شناسی کاربردی*: ۱۰۷-۱۳۴.
12. Acar, E. (2011). Effects of Social Capital on Academic Success: A Narrative Sunthesis. *Educational Research and Reviews*, (6) 6,456-461.
13. Bauhr, M., & Grimes, M. (2012). *What is Government Transparency? New Measures and Relevance for Quality of Government*. The Quality of Government Institute.
14. Bisung, E., Elliott, S. J., Schuster-Wallace, C. J., Karanja, D. M., & Bernard, A. (2014). *Social Capital, Collective Action and Access to Water in Rural Kenya*. *Social Science & Medicine*, 119, 147-154.
15. Blind, P. K. (2008). Building Trust in government In the Twenty-First Century: Reviewing of Literature and Emerging Issues. *7th Global Forum on Reinventing Government*, Building Trust in Government. Vienna, Austria.
16. Boix, C., & Posner, D. N. (1998). Social Capital: Explaining Its Origins and Effects on Government Performance. *British Journal of Political Science*, 28 (4), 686-693.
17. Buralcu, D. (2014). It's Only The Economy, Stupid! Good Governance Matters in Elections. *Electoral Studies*, 36, 173-185.
18. Center for Law and Military Operations. (2011). *Rule of Law Handbook, a Practitioner's Guide for Judge Advocates*. (L. C. Cole, Ed.) Virginia.
19. DFID. (2009). *Measuring Change and Results in Voice and Accountability Work*. Working Paper.
20. Dufur, M. J., Parcel, T. L., & Troutman, K. P. (2013). Does Capital at Home Matter More Than Capital at School? Social Capital Effects on Academic Achievement. *Research in Social Stratification and Mobility*, 31, 1-21.
21. Elahi, K. Q.-I. (2009). UNDP on Good Governance. *International Journal of Social Economics*, 36 (12), 1167-1180.
22. Fukuyama, F. (1997). *Social Capital: The Tanner Lecture on Human Values*. Brasenise College.
23. Gloopen, S., Ranker, L., & Tostensen, A. (2003). *Responsiveness to the Concerns of the Poor and Accountability to the Commitment to Poverty Reduction*. Development Studies and Human Rights.
24. Goets, A. M., & Jenkins, R. (2005). *Reinventing Accountability, Making Democracy Work for Human Development*. New York: Palgrave Macmillan.

25. Goetz, A. M., & Gaventa, J. (2001). *Bringing Citizen Voice and Client Focus into Service Delivery*. Institute of Development Studies.
26. Grigorescu, A. (2003). International Organizations and Government Transparency: linking the International and Domestic Realms. *International Studies Quarterly*, 47, 643-667.
27. Grootaert, C. (1998). *Social Capital: The Missing Link*. Social Development Department. The World Bank.
28. Ishihara, H., & Pascual, U. (2009). Social Capital in community level environmental governance: A critique. *Ecological Economics*, 68, 1549-1562.
29. Jaeyeol, Y., & Dukjin, C. (2009). Transparency, a Key Factor to Improve Social Cohesion: A Review of the Korean Experience in the Context of Social Quality Research. *Development and Society*, 38 (2), 259-275.
30. Kaasa, A., & Parts, E. (2007). *individual-level determinants of social capital in Europr: differences between country groups*. Tartu University Press.
31. Kardos, M. (2012). The Reflection of Good Governance in Sustainable Development Strategies. *Social and Behavioral Science*, 1166-1173.
32. Kaufman, D., Kraay, A., & Mastruzzi, M. (2008). *Governance Matters VII: Aggregate and Individual Governance Indicators 1996-2007*. Development Research group. The World Bank.
33. Kaufman, D., Kraay, A., & Mastruzzi, M. (2010). *The Worldwide Governance Indicator: Methodology and Analytical Issues*. World Bank, The World Bank Development Research Group.
34. Kaufman, D., Mehrez, G., & Gurgur, T. (2002). *Voice or Public Sector Management?, An Empirical Investigation of Determinants of Public Sector Performance Based on A Survey of Public Officials*. World Bank and IMF.
35. Lele, U., Klousia-Marquis, M., & Goswami, S. (2013). Good Governance for Food, Water and Energy Security. *Aquatic Procedia*, 1, 44-63.
36. Lin, N. (1999). Building a Network Theory of Social Capital. *Connections*, 22 (1), 25-51.
37. Ljung, M. (2014). Social Capital and Political Institution: Evidence that Democracy Fosters Trust. *Economics Letters*, 122, 44-49.
38. Manning, N., Shepherd, G., & Guerrero, A. (2010). *Results, Performance Budgeting and Trust in government*. Washington, D.C.: The World Bank.
39. Miller, A. H. (1974). Political Issues and Trust in government: 1964-1970. *The American Political Science Review*, 67 (3), 951-972.
40. Mulgan, R. (2012). *Transparency and Public Sector Performance*. Office of the Information Commissioner, Queensland.

41. Nahapiet, J., & Ghoshal, S. (1998). Social Capital, Intellectual Capital, and the Organizational Advantage. *Academy of Management Review*, 23 (2), 242-266.
42. O'neil, T., Floresti, M., & Hudson, A. (2007). *Evaluation of Citizens' Voice & Accountability, Review of the Literature & Donor Approaches Report*. London: Department for International Development (DFID).
43. Portes, A. (1998). Social Capital: Its Origins and Applications in Modern Sociology. *Annals Review of Sociology*, 24, 1-24.
44. Productivity Commission. (2003). *Social Capital: Reviewing the Concept and its Policy Implications*. Melbourne: Productivity Commission.
45. Putnam, R. D. (1993). *Making Democracy Work*. New Jersey: Princeton university Press.
46. Ritter, T. (2013). Social Capital as a Determinant for Good Governance -An Empirical Analysis of the 27 EU Member State-. *EGPA Annual Conference*. Edinburgh Scotland - UK.
47. Smith, A., philipson, C., & Scharf, T. (2002). *Social Capital: Concepts, Measures and the Implications for Urban Communities*. Working Paper No 9, Keele University, Centre for social gerontology.
48. Stone, W., & Hughes, J. (2002). *Social Capital: Empirical and Measurement Validity*. Australian Institute of Family Studies.
49. Temple, J. (2001). Growth Effects of Education and Social Capital in the OECD Countries. *OECD economic Studies*, 33.
50. UNDP. (2010). *Voice and Accountability for Improved Service Delivery*. Background Paper, UNDP Regional Training Event for the Arab States, Cairo, Egypt.
51. UNDP. (2009). *Voice, Accountability and Civic Engagement*. Bureau for Development Policy. Norway: Oslo Governance Centre.
52. Waheduzzaman. (2010). Value of People's Participation for Good Governance in Developing Countries. *Transforming Government: People, Process and Policy*, 4 (4), 386-402.
53. World Health Organization (WHO). (1998). *Health Promotion Glossary*. Geneva: World health Organization.
54. World Justice Project. (2015). *Rule of Law Index*.
55. Yu, H., & Guernsey, A. (n.d.). *What is the Rule of Law*. Retrieved from http://www.uiowa.edu/ifdebook/faq/Rule_of_Law.shtml.